

علت آغاز انقلاب مدینه



علت اصلی آغاز انقلاب مدینه، سفر هیئت نمایندگی اهل مدینه به شام بود، هیئتی مرکب از عبدالله بن حنظله انصاری معروف به «غسیل الملائكة»، عبدالله بن ابی عمرو بن حفص بن مغیره مخزومی، منذر بن زبیر و عده ای دیگر از رجال و اشراف مدینه به نمایندگی از طرف اهل مدینه نزد یزید رفتند.

یزید به آنها بسیار احترام کرد و به هر کدام هدایا و خلعت‌های گرانبها بخشید، تا از این طریق آنها را تطمیع کند تا اینکه رضایت مردم را پس از قتل امام حسین(علیه السلام) جلب کند، وقتی این عده به مدینه رسیدند، در اجتماعی از اهل مدینه به پا خاسته شروع به انتقاد از یزید کردند و چنین گفتند: «ما از نزد شخصی می‌آییم که دین ندارد، شرابخوار است و همیشه سرگرم ساز و آواز است، خنیاگران و زنان خوش آواز در مجلس او د لربایی می‌کنند، یزید سگ بازی می‌کند و با مشتی دزد و خرابکار به شب نشینی می‌پردازد، ما شما را گواه می‌گیریم که از این تاریخ او را از خلافت برکنار کردیم».

به این ترتیب اهل مدینه بر ضد حکومت اموی قیام کردند و فرماندار یزید به نام عثمان بن محمد بن ابی‌سفیان و همچنین عناصر کاخ نشین اموی را که در منزل بزرگشان «مروان حکم» جمع شده بودند را از شهر اخراج کردند و با آن که مجموع انقلابیون فقط هزار نفر بود، هیچ گونه تطمیع و تهدیدی نتوانست آنها را منصرف سازد.

معنای حره و زمان وقوع

به سنگستان سیاه رنگ، حرّه می‌گویند و چون این قیام از سنگستانی در مشرق مدینه به نام «حرّه واقم» یا «حرّه

زُهره» (منسوب به بنی‌زهره از اقوام یهود)؛ شروع شد، به این نام معروف گردید. غالب منابع تاریخی، واقعهٔ حرّه را روز دوم ذی حجه یا دو سه روز مانده به آخر ذی حجه ۶۳ق ذکر کرده‌اند، لذا روایاتی که آن را در سال ۶۲ دانسته‌اند، نادرست است.

علل وقوع

نارضایتی مردم مدینه از حکومت یزید بن معاویه به سبب ناشایستگی سیاسی او و آلودگی‌اش به جنایات آشکار از جمله قتل امام حسین(علیه السلام)؛ بیعت مردم با عبدالله بن زبیر و خلع یزید از خلافت؛ اطلاع مردم مدینه از فساد اخلاقی یزید؛ ممانعت مردم مدینه از فرستاده شدن اموال و اشیای برگزیده برای یزید.

عزل والی مدینه

مردم مدینه به فرمان عبدالله بن زبیر، عثمان بن محمد را از امارت مدینه عزل کردند و بر امویان شوریدند و آنان را، که حدود هزار نفر بودند و در منزل مروان بن حکم گرد آمده بودند، محاصره کردند. ابن‌زبیر، عبدالله بن حنظله را به عنوان والی مدینه برگزید. [این روایت و برخی روایات پیش‌گفته نشان می‌دهند که تا چه اندازه افکار و گرایشهای زُبیری بر این قیام و رهبر یا رهبران آن حاکم بوده است.

تجهیز سپاه شام

تلاش‌های عبدالله بن جعفر به عنوان مأمور حکومت شام، برای اطاعت مردم از یزید، نتیجه ای نداشت. نامه تهدید آمیز یزید و نیز وساطت نعمان بن بشیر در فرونشاندن این قیام مؤثر نیفتاد یزید تصمیم گرفت برای سرکوب مردم مدینه لشکری تجهیز کند. بعد از امتناع عبیدالله بن زیاد از پذیرش فرماندهی لشکر، وی مسلم بن عقیبه مَرّی را مأمور این کار کرد. شمار لشکریان او را بین ۵۰۰۰ تا ۲۷۰۰۰ نفر نوشته‌اند.

کندن خندق در مدینه

وقتی خبر حرکت سپاه یزید به مردم مدینه رسید، آنان گرداگرد مدینه خندق کردند و پناه گرفتند.

مردم اجازه دادند که وابستگان به حکومت شام، از مدینه خارج شوند به شرط آنکه در مورد مدینه هیچ اطلاعاتی را به سپاه شام ندهند و در جنگ هم شرکت نکنند. بنی امیه با خروج از مدینه، سوگند خود را شکستند و عبدالملک بن مروان با توصیه پدرش به همراهی مسلم بن عقبه نقشه حمله به شهر را طراحی کردند.

مسلم با عبور از حرّه، در مشرق مدینه پیاده شد و به مردم مدینه سه روز مهلت داد آنگاه، پس از دور زدن خندق، از پشت سر و با کمک طایفه بنی حارثه، که با وعده‌های مالی فریفته شدند، وارد شهر شد و چندان جنایت کرد که به مُجرم و مُسرف معروف شد.

رفتار شامیان با مردم

مسلم بن عقبه، به دستور یزید، سه روز جان و مال مردم را بر سپاهیانش حلال کرد ابن کثیر و سیوطی غارت و جنایات سپاهیان او را مصیبتی سهمگین و وصف ناپذیر خوانده‌اند.

مسعودی آن را فجیع‌ترین حادثه، پس از شهادت امام حسین(علیه السلام)، دانسته است.

سپاهیان مسلم بن عقبه در آن سه روز، از ارتکاب هیچ عمل زشتی، همچون تجاوز به نوامیس، بیرون کشیدن جنین از شکم زنان و کشتن نوزادان و توهین به صحابه بزرگ پیامبر(صلی الله علیه وآله)، از جمله جابر بن عبدالله انصاری نابینا و ابوسعید خُدَری، فروگذار نکردند.

شمار کشتگان واقعه حرّه را بیش از ۴۰۰۰ و به قولی ۱۱۷۰۰ یا ۱۰۷۰۰ نفر برآورد کرده‌اند. از این میان، ۷۰۰ نفر از حاملان قرآن و ۸۰ صحابی رسول خدا به قتل رسیدند، به نحوی که کسی از اهل بدر باقی نماند [عبدالله بن حنظله و فرزندان‌ش نیز کشته شدند]

بیعت گرفتن از مردم

مسلم پس از این جنایات، مردم شهر را جمع کرد و از آنان برای یزید بیعت گرفت، مبنی بر اینکه آنان و پدران‌شان

بنده یزید بوده‌اندو به تعبیر دیگر، قیء (غنیمت جنگی) یزید هستند و هرکسی را که از این فرمان سر باز می‌زد، گردن می‌زدند.

فقط علی بن عبدالله بن عباس (با وساطت خویشانش که در سپاه یزید بودند) و امام سجاد(علیه السلام)، از آن بیعت معاف شدند.

موضع امام سجاد در این قیام

عدم همراهی امام با شورشیان: امام سجاد(علیه السلام) در این قیام با مردم مدینه همراه نشد. افزون بر آنکه این قیام با اذن و حمایت عبدالله بن زبیر صورت گرفت، آگاهی امام(علیه السلام) به ضعف و عده کم اهالی مدینه در مقابله با سپاهیان بسیار شام که از خشونت و قساوت دریغ نداشتند و همچنین تصمیم آن حضرت به دور ماندن از اتهامات دولت اموی که به قولی، تنها هدف حمله مسلم بن عقبه به مدینه بود. و حفظ آن عده اند ک از پیروان خویش و حفظ کرامت حرم پیامبر، از دلایل احتمالی بی‌طرفی امام(علیه السلام) در این واقعه بود منزل امام، پناهگاه امن: به جهت عدم همراهی امام سجاد(علیه السلام) با شورشیان، خاندانش از این جنایت آسیبی ندیدند و خانه‌اش نیز پناهگاه امنی برای بسیاری از زنان و کودکان، حتی خانواده مروان بن حکم، گردید و آن حضرت وابستگان به مروان را با زن و فرزند خود به یثرب فرستاد.

رفتار مسلم با امام سجاد(علیه السلام)

پس از پایان ماجرا، امام سجاد(علیه السلام) با همراهی مروان و فرزندش، عبدالملک، نزد مسلم رفت. گویا یزید از قبل مسلم را به رعایت حال امام سفارش کرده بود؛ از این رو، مسلم ایشان را گرمی داشت، چهارپایی زین کرد و به ایشان داد که حضرت آن را بازگرداند. برخی علت خوش رفتاری غیرمنتظره مسلم را با امام سجاد،(علیه السلام) ناشی از دعایی می‌دانند که حضرت می‌خواند و ناخواسته هیبت و ترس در دل مسلم می‌انداخت. عدم همراهی برخی از صحابه با شورشیان: برخی صحابه از جمله عبدالله بن عمر، ابو سعید خدری و جابر بن عبدالله انصاری، شورشیان را همراهی نکردند.

علت شکست

ابن قتیبه پس از مقایسه شکست زود هنگام و شگفت‌انگیز مردم مدینه در واقعه حرّه با مقاومت عبدالله بن زبیر و یاران اند کش در برابر همین سپاه، علت اصلی آن شکست را انتخاب دو امیر ذکر کرده است، اما در منابع درباره اختلاف سران قیام مدینه سخنی نیست.

از قول مسلم بن عقبه آورده‌اند که پس از اقرار به توحید، بهترین عمل خود را کشتن اهل حرّه می‌دانست [۳۸] برخی تاریخ نگاران مسلمان معتقدند که سرکوب وحشیانه مردم مدینه در واقعه حرّه، با انگیزه انتقام خون امویان و کشته‌های بدر و تقاصّ قتل عثمان از مردم مدینه، به‌ویژه انصار، صورت گرفته است